

بررسی شاخص‌ها و مؤلفه‌های نظام سلامت در درس بهداشت و توسعه سلامت مدارس متوسطه

صدیقه حاجبی

مشاور و دبیر آموزش و پرورش شهرستان رشتخوار

نرگس یعقوبزاده

دانش آموز پایه دوازدهم متوسطه دوم، دبیرستان عترت شهرستان رشتخوار

Hajebi@gmail.com

چکیده

آموزش بهداشت و ارتقای سلامت به عنوان یک ارزش فردی و اجتماعی و ضرورتی انکار ناپذیر در هر جامعه پذیرفته شده و بر طبق اساسنامه سازمان جهانی بهداشت همه سازمان‌های آموزشی و بهداشتی موظفند در جهت اشاعه آن تلاش نمایند. در کشور ما همچون سایر کشورها هم در سند چشم‌انداز و هم در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به این امر مهم اشاره شده و در جهت اجرای آن با تدوین درس بهداشت و ارتقاء سلامت در دوره‌های مختلف تحصیلی و خصوصاً مدارس متوسطه کوشیده شده است تا با تحقق این امر مهم آموزش‌های لازم به دانش‌آموزان داده شود و در جهت تحقق جامعه سالم، پویا و با نشاط اقدامات لازم صورت پذیرد. هدف از مطالعه حاضر، بررسی مؤلفه‌های نظام سلامت و بهداشت در برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره متوسطه بر اساس شاخص‌های نظام سلامت و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بود. روش تحقیق کیفی است که با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. روش گردآوری اطلاعات میدانی و ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه و پرسشنامه بود. جامعه آماری در این تحقیق کلیه معلمان و متخصصین بهداشت و توسعه سلامت بودند که برای انتخاب نمونه از میان معلمان و متخصصان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد و با در نظر گرفتن قانون اشباع تعداد ۱۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. پژوهشگر بعد از مصاحبه نهم با اشباع داده‌ها مواجه شد، ولی جهت اطمینان از کفایت داده‌ها، فرایند مصاحبه تا نفر دهم ادامه یافت. لذا نمونه آماری در این بخش ۱۰ نفر می‌باشد. بر اساس نتایج پژوهش می‌توان گفت که چهار مضمون اصلی «هدف»، «محتوا»، «روش تدریس»، و «ارزشیابی» به عنوان ابعاد برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت متوسطه بر اساس شاخص‌های نظام سلامت با تأکید بر مؤلفه‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش شناسایی شدند. همچنین نتایج نشان داد که متغیرهای هدف، محتوا، روش تدریس، و ارزشیابی در تبیین الگوی برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره متوسطه بر اساس شاخص‌های نظام سلامت با تأکید بر مؤلفه‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مؤثر است. به طوری که متغیر هدف در اولویت اول، متغیر محتوا در اولویت دوم، متغیر روش تدریس در اولویت سوم و متغیر ارزشیابی در اولویت نهایی قرار گرفتند.

واژه‌های کلیدی: طراحی، الگوی برنامه درسی، آموزش بهداشت، توسعه سلامت، دوره متوسطه.

مقدمه:

سلامت " یکی از نعمات الهی است که خداوند به انسان ارزانی داشته و بدیهی است که انسان برای حفظ آن باید تلاش کند؛ به خصوص در این دوران که زندگی ماشینی انسان را احاطه کرده است. پس برای پیشگیری از بروز هر نوع بیماری و تأمین سلامت افراد لازم است آموزش هایی داده شود (اسکندری و رائفی فر^۱، ۲۰۱۰). نظام آموزشی مدرسه نقش بسیار مهمی در آموزش بهداشت و ارتقای سلامت در دوران کودکی و بعد از آن ایفا می کند و باعث بهبود شخصیت دانش آموزان، نگرش، مهارت و نیز آگاهی آنان می شود. (هدایتی و همکاران، ۱۳۹۵). آموزش بهداشت و ارتقای سلامت می تواند این فرصت را در اختیار معلمان و دانش آموزان قرار دهد تا دانش، اطلاعات و مهارت هایی را کسب کنند که در طول زندگی، آن ها را به سوی عادات و رفتارهای بهداشتی مناسب رهنمون خواهد ساخت. سرمد و همکاران (۲۰۰۰) جمالیان نیز درستی این نگاه را تأیید کرده و سلامت افراد جامعه را بزرگ ترین پشتوانه یک کشور دانسته است؛ به گونه ای که برای داشتن یک جامعه سالم، سلامت دانش آموزان را به عنوان یک اصل مطرح می کند، ضمن اینکه آموزش بهداشت و ارتقای سلامت را حق دانش آموزان می داند تا بدین وسیله آن ها را به چگونگی مراقبت از خود و در امان ماندن از عوامل بیماری زا، تأمین سلامت خود، آگاهی از آن و، مهم تر، کسب فن و مهارت آگاه کند. به نظر او این دانش و مهارت باید در دوران تحصیل در دسترس دانش آموزان قرار گیرد. مطالعات سازمان جهانی بهداشت (۲۰۱۵) روی رفتارهای سلامت در ۳۵ کشور نشان داد که قریب به ۶۰ درصد کیفیت زندگی و سلامت افراد به سبک زندگی و رفتارهای شخصی آنها بستگی دارد. که در شرایط کنونی ایران نیازمند است در راستای ارتقای سلامت گروه های مختلف جامعه از جمله دانش آموزان گام بردارد تا بتوان جامعه ای سالم داشت.

تعریف سازمان جهانی بهداشت از «سلامت عبارت است از رفاه کامل جسمی، روانی، اجتماعی و صرف عدم ابتلا به بیماری یا ناتوانی و نقص عضو دلیل سلامت نیست». همچنین مطالعات سازمان جهانی بهداشت (۲۰۱۵) روی رفتارهای سلامت در ۳۵ کشور نشان داد که قریب به ۶۰ درصد کیفیت زندگی و سلامت افراد به سبک زندگی و رفتارهای شخصی آنها بستگی دارد و در شرایط کنونی ایران نیازمند است در راستای ارتقای سلامت گروه های مختلف جامعه از جمله دانش آموزان گام بردارد تا بتواند. جامعه ای سالم داشته باشد. با توجه به اهمیت و نقشی که سلامت در زندگی هر فرد دارد، و از آنجاکه به عنوان یک منبع مهم در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فردی مطرح می شود آموزش بهداشت در مدارس باید مورد تأکید نظام های آموزشی باشد. توجه به امر خطیر تحقق شاخص های نظام سلامت از وظایف مهم هردولتی به شمار می رود، و برای دستیابی به این هدف ارزشمند و ارتقای آن، نیازمند آموزش بهداشت در مدارس هستیم؛ آموزش هایی در زمینه ایجاد رفتار مبتنی بر بهداشت و سلامت که در کشورهای گوناگون، به ویژه در کشور ما، مدارس و محتوای دروس بهترین پایگاه عملیاتی کردن آن ها هستند. در این راستا، این پژوهش قصد دارد به طراحی الگوی برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره متوسطه اول براساس شاخص های نظام سلامت و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بپردازد. تا بر اساس آن مؤلفه های آموزش بهداشت و ارتقای سلامت از جمله سلامت جسم، سلامت تغذیه، سلامت محیط زیست، و خانواده، حوادث ایمنی، تحرک بدنی، سلامت روانی، پیشگیری از رفتارهای پرخطر، کنترل و پیشگیری از بیماری ها، معلولیت، بهداشت عمومی و بهداشت مدرسه را مورد بررسی قرار دهد.

بیان مسأله

بهداشت و سلامت به عنوان یک ارزش فردی و اجتماعی، بر طبق اساسنامه سازمان جهانی بهداشت و از دیدگاه همه ملت ها و نزد همه مکاتب، یکی از متوسطه اول ترین حقوق و نیازهای بشر تلقی شده است که دست یافتن به بالاترین سطح آن از اهداف اجتماعی و ملی تمامی دولت ها به حساب می آید. (آقازاده، ۱۳۸۳) در این میان نظام آموزش و پرورش از بزرگترین و گسترده ترین سیستم های درون هر جامعه ای است که سرنوشت آن جامعه را جهت تأمین سلامت در بلند مدت تعیین می کند. (صمدی و همکاران، ۱۳۹۶) سلامتی یک مسئله چند بعدی است که امروزه علاوه بر بعد جسمی، روانی و اجتماعی، جنبه معنوی را هم در بر می گیرد. به گونه ای که

¹ Eskandari, H, Rafieefar

ابعاد مختلف سلامتی و یا بیماری تحت تاثیر یکدیگر قرار دارند. چنانچه مشکلات جسمی بر روان فرد مشکلات روانی بر جسم او و نیز هر دوی آنها بر جامعه و اختلالات موجود در جامعه و سلامتی اثر می گذارند لذا اقدامات انجام شده برای ارتقای سلامت باید به تمام جوانب سلامتی فردی (جسمی و روانی و معنوی) و سلامت کلی جامعه توجه داشته باشد. حدود نیمی از جمعیت کشور ایران را کودکان و نوجوانان تشکیل می دهند. بررسی تطبیقی دانش آموزان ایران با چهار کشور ژاپن، استرالیا، فرانسه، ترکیه نشان می دهد که مؤلفه های چاقی، تغذیه، سیگار، بهداشت دهان و دندان، بیمارهای مقاربتی و رفتارهای پرخطر در ایران رو به افزایش است. (ملکی، ۱۳۹۵) همچنین تحقیقات نشان داده است که علت بسیاری از بیماریهای مزمن، و آسیب های اجتماعی عدم توجه به شاخص بهداشت و سلامت است. بنابراین آموزش بهداشت و ارتقای سلامت یکی از بهترین راه هایی است که دانش آموزان توسط آن می توانند سلامت خود را حفظ کنند و علی رغم اینکه دانش آموزان در شکل گرفتن نسل آینده و ارتقای سلامت اجتماع بسیار مهم هستند چون در مرحله نسبتا سالمی از زندگی در نظر گرفته می شوند، در تلاش های ارتقای سلامت در سرا سر جهان به عنوان یک اولویت در نظر گرفته نمی شوند (کن و همکاران^۱، ۲۰۰۸) توجه به معضلات آموزش بهداشت و سلامت از طریق محتوا، مواد و کتب درسی جزء نیازهای اولیه و اساسی دانش آموزان بوده و موجب ایجاد حس مسؤولیت، ارائه رفتار مسؤولانه در انان می گردد. به منظور برنامه ریزی برای آموزش بهداشت و درمان در سطح ملی، ارزیابی عملکرد گذشته و مقایسه با وضع کنونی، ارزیابی اهداف برنامه های توسعه و مقایسه میان عملکرد واحد های مختلف نیازمند تعیین شاخص ها در بخش های مختلف هستیم و از سوی دیگر، مقایسه عملکرد کشورمان در بخش بهداشت و درمان با سایر کشورها از طرف سازمان های بین المللی ضرورت پذیرش برخی شاخص های بین المللی و تولید اطلاعات آن ها را اجتناب ناپذیر نموده است. بنابر موارد پیش گفته سوال اصلی این پژوهش این است که الگوی برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره متوسطه چگونه است؟

سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و مولفه های مورد مطالعه

تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر آرمان های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فن آوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و مؤثر در عرصه روابط بین المللی است.

هر چند در سه دهه گذشته تلاشهای وافر و قابل تقدیری از سوی مسئولان و دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت برای بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور به عمل آمد که خوشبختانه نتایج مثبت و مفیدی نیز بر جای گذاشته است لیکن هنوز آموزش و پرورش با چالش های جدی روبرو است و برون داد آن در طراز جمهوری اسلامی ایران و پاسخ گوی تحولات محیطی و نیازهای جامعه نمی باشد. از این رو تأکیدات حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت تحول بنیادی در آموزش و پرورش با تکیه بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی - ایرانی و تدوین الگویی اسلامی - ایرانی برای تحول و پرهیز از الگوهای وارداتی، کهنه و تقلیدی محض، چراغ راه برون رفت از چالش های نظام آموزشی کشور می باشد.

خوشبختانه با درک ضرورت و اهمیت این امر و در پاسخ به ندای هوشمندانه رهبری معظم انقلاب اسلامی (دام ظلّه)، طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش به مثابه سند تحول راهبردی نظام آموزش و پرورش در افق چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران بنا بر مصوبه هیات دولت در دستور کار شورای عالی آموزش و پرورش قرار گرفت و سرانجام پس از شکل گیری حلقه های کارشناسی - پژوهشی با مشارکت صاحب نظران حوزوی و دانشگاهی و مدیران و کارشناسان مجرب آموزش و پرورش و سایر دستگاه های ذیربط، ضمن پایبندی به دیدگاه های حضرت امام خمینی (ره) و نظرات مقام معظم رهبری درباره تحول بنیادین نظام آموزشی و همسو با اسناد فرا دستی، از جمله سند چشم انداز بیست ساله کشور، سند مذکور تدوین گردید.

در این راستا، پس از به ثمر رسیدن مطالعات سند ملی، نخست بنیان نظری تحولات مورد نظر در نظام آموزش و پرورش (شامل فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران - فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران - رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در

¹ Can et al

جمهوری اسلامی ایران) بر اساس الگوی اسلامی- ایرانی تدوین و به تأیید شورای عالی آموزش و پرورش رسیده و سپس بر این اساس سند تحول راهبردی نظام تربیت رسمی و عمومی تصویب شده است تا مبنای تحول بنیادین در آموزش و پرورش قرار گیرد. به این ترتیب تحول بنیادین در نهاد تحول آفرین و انسان ساز آموزش و پرورش، امری مستمر و زمان بر است که از یک سو، نیازمند عزم ملی و همراهی و مساعدت تمامی مسئولان، نهادهای فرادستی، مراجع سیاست گذار و تصمیم گیر، فرهنگ عمومی و اجتماعی مناسب و مساعد می‌باشد و از سوی دیگر به عزم سازمانی، مشارکت فعال مدیران، معلمان، کارشناسان درون آموزش و پرورش و نیز همگامی خانواده ها و دانش آموزان عزیز نیاز دارد. این تحول هم باید در سطح کلان مدیریت و برنامه ریزی راهبردی آموزش و پرورش و در تمام زیر نظام ها و مؤلفه‌های آن ساری و جاری گردد و هم در سطح خرد و در کلاس درس و مدرسه، نشاط و شادابی حرکت به سوی آینده برتر را دامن بزند که امیدوار است با مدیریت هوشمندانه تغییر و با فراهم آوردن امکانات و منابع، به ویژه منابع انسانی کارآمد و باانگیزه، آموزش و پرورش بتواند رسالت خطیر و تاریخی خویش را در تربیت انسانهایی در طراز جمهوری اسلامی ایران و احیاءگر فرهنگ و تمدن ایران اسلامی در راستای برپایی جامعه جهانی مهدوی ایفاء نماید. بنابراین از آنجا که بخش عمده و محوری این سند برآموزش تکیه دارد و آموزش بهداشت و شاخص ها و مولفه های سلامت در آن به وضوح به چشم می خورد این سند نمونه ای از اسناد فرادستی است که مسیر و چارچوب آموزش بهداشت و سلامت را ترسیم نموده و می بایست مورد توجه جدی برنامه ریزان آموزشی و درسی قرار گیرد. در این تحقیق مولفه های صلاحیت های حرفه ای، رهبری معلم و تصور توفیق در تدریس که از مهمترین مولفه های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش می باشد مورد مطالعه قرار گرفته و تاثیر آن بر طراحی برنامه درسی بهداشت و توسعه سلامت سنجیده شده است.

پیشینه تحقیق

نظام آموزشی مدرسه نقش بسیار مهمی در آموزش بهداشت و ارتقای سلامت در دوران کودکی و بعد از آن ایفا می‌کند و باعث بهبود شخصیت دانش آموزان، نگرش، مهارت و نیز آگاهی آنان می شود. (ون و همکاران، ۲۰۱۳) در این بخش به پاره ای از تحقیقات انجام شده در سطح داخلی و خارجی در این زمینه می پردازیم.

عبادی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان الگوی پیشنهادی جهت طراحی برنامه درسی مبتنی بر تکلیف در مقطع کارشناسی ارشد رشته پرستاری بر اساس طرح اکر که به روش کیفی انجام شد، به این نتیجه دست یافتند که مهمترین مؤلفه‌های طراحی برنامه درسی تکلیف محور، که شامل متنوع و جذاب، آزمایشگاه‌های مجهز، مطابق با نیازهای فراگیران، تلفیقی، هدفمند، کاربردی و عملیاتی، کتاب‌های درسی تعاملی، کارگاه‌های آموزشی، واحد مهارت‌های بالینی، پروژه‌ها، امکان یادگیری بهتر، فلوچارت، کسب تجارب بالینی، شبیه‌سازی‌ها، پیوند بین تئوری و عمل، آموزش ارتباطی، تکالیف نوشتاری، جزوات آموزشی، هدفمند، تلفیقی، توانمندی در استفاده از مواد و منابع جدید، و استفاده از تصاویر شناسایی شدند.

مطالعه‌ای با عنوان طراحی الگوی مطلوب برنامه‌های درسی توسط خضری و همکاران (۱۳۹۹) انجام شد. یافته‌های حاصل از مطالعه کیفی در چهار طبقه‌ی ۱- اهداف آموزش (بهبود مهارت‌های اجتماعی، بهبود مهارت‌های بین فردی و ...)، ۲- محتوا (اعتقادات، هویت-یابی، تعامل و توانمندی)، ۳- روش‌های آموزش (آموزش در قالب دعوت از صاحب‌نظران، گردش علمی و آموزشی، یادگیری مشارکتی و ...) و ۴- روش‌های ارزشیابی (مشاهده فرآیند عملکرد، خود ارزشیابی، ارزشیابی توسط همتایان و ...) تجلی پیدا کردند.

دوران‌دیش و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای که برای طراحی چارچوب برنامه درسی مبتنی بر شایستگی رشته مکانیک صنایع دوره دوم متوسطه به شیوه ترکیبی انجام دادند به این نتیجه رسیدند که چارچوب برنامه درسی شامل؛ اجزای منطق برنامه درسی، کارکرد برنامه درسی، محدوده و قلمرو برنامه درسی، الگوی طراحی برنامه درسی، ساختار، جدول برنامه درسی، اهداف برنامه درسی، محتوا، فعالیت‌های یادگیری و روش‌های ارزشیابی بود.

محمدی‌مهر و ملکی (۱۳۹۸) به طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی دوره پزشکی عمومی پرداختند. آنها به روش ترکیبی در دو فاز کیفی و کمی، در طراحی الگو به مبانی الگو، اصول کلی، اهداف الگو، فلسفه الگو، مقاطع دوره تحصیلی و عناصر برنامه درسی توجه نمودند.

مولر^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان آموزش حرفه ای و حرفه ای مبتنی بر صلاحیت به این نتیجه دست یافت که جهت‌گیری محتوای درسی و شیوه تدریس، الگوی برنامه درسی را به خوبی تبیین می‌کنند. به عقیده وی، قلمرو و جهت‌گیری محتوا و شیوه تدریس در راستای تحقق اهداف و شایستگی‌های لحاظ شده در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی‌های فنی و غیرفنی در قالب ساختار آموزشی با توجه به استعداد و علاقه‌های هنرجویان و شرایط و نیازهای آموزشی مدارس است. هادوچین^۲ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای با عنوان کاربرد رویکرد مبتنی بر شایستگی برای ارزیابی مشکل کفایت آموزش و اشتغال دریافتند که ارزشیابی پیشرفت تحصیلی و تربیتی در تبیین برنامه درسی مبتنی بر شایستگی نقش مهمی دارد. آنها ملاک کسب شایستگی را استانداردهای ارزشیابی مبتنی بر عملکرد و سطوح مهارتی عنوان نمودند.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر ماهیت، توصیفی و از نظر روش تحقیق کیفی است که با روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. تحلیل محتوای کیفی به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و تم‌ها یا الگو‌هایی را که آشکار یا پنهان هستند، به صورت محتوای آشکار می‌آزماید. در مجموع می‌توان گفت که همه رویکرد های تحلیل محتوای کیفی از یک فرایند مشابه پیروی می‌کنند که هفت مرحله را در برمی‌گیرد:

۱- تنظیم کردن پرسش‌های تحقیقی که باید پاسخ داده شوند؛ ۲- برگزیدن نمونه مورد نظر که باید تحلیل شود؛ ۳- مشخص کردن رویکرد تحلیل محتوایی که باید اعمال شود؛ ۴- طرح ریزی کردن فرایند رمز گذاری؛ ۵- اجرا کردن فرایند رمز گذاری؛ ۶- تعیین اعتبار و پایایی؛ ۷- تحلیل کردن نتایج حاصل از فرایند رمز گذاری

جامعه و نمونه آماری

با توجه به روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش جامعه آماری این پژوهش شامل معلمان و متخصصان بهداشت و سلامت در شهر رشتخوار در سال ۱۳۹۹ هستند که در زمینه برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت اطلاعات لازم را داشته‌اند مورد شناسایی قرار گرفته و در بخش کیفی از نظراتشان استفاده شد. برای انتخاب نمونه از میان متخصصان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد؛ در این پژوهش نیز پژوهشگر با توجه به نوع کیفی بودن پژوهش و با توجه به ماهیت آن، از روش نمونه‌گیری هدفمند و با در نظر گرفتن قانون اشباع به تعداد ۱۰ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌ها از دو ابزار فیش و مصاحبه نیمه ساختاریافته جهت شناسایی مولفه‌ها و زیر مولفه‌ها استفاده شد. در این راستا، پس از اخذ مجوزهای لازم، با مصاحبه شونده‌های مورد نظر هماهنگی لازم صورت گرفت و یک نسخه از پروتکل و سوالات مصاحبه از قبل جهت آمادگی پاسخ به سوالات، در اختیار مصاحبه شندگان قرار داده شد، سپس پژوهشگر در وقت تعیین شده، در محل کار مصاحبه شندگان حضور یافت یا به صورت مجازی (وویس و تصویری) مصاحبه انجام شد. میانگین مدت زمان لازم برای اجرای هر مصاحبه ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بود که این مقدار در برخی از مصاحبه‌ها ۲۰ دقیقه و در برخی از مصاحبه‌ها تا ۱ ساعت هم به طول انجامید. در طول مصاحبه، به روش‌های مختلف مانند یادداشت برداری و ضبط جریان مصاحبه بر روی نوار صوتی یا تصویری اطلاعات ثبت شد. پس از اتمام مصاحبه یادداشت‌های مشروحی درباره جریان مصاحبه برداشته می‌شود.

نتیجه‌گیری

هدف از مطالعه حاضر، طراحی الگوی برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره متوسطه اول بر اساس شاخص‌های نظام سلامت و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بود. بر اساس نتایج پژوهش در بررسی سوال اول مبنی بر

1 - Mulder

2 - Haddouchane

"ابعاد و مولفه های برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره اول متوسطه براساس شاخص های نظام سلامت با تاکید بر مولفه های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کدامند؟"، چهار مضمون اصلی «هدف»، «محتوا»، «روش تدریس»، و «ارزشیابی» به عنوان ابعاد برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره اول متوسطه براساس شاخص های نظام سلامت با تاکید بر مولفه های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش شناسایی شدند. یافته های مطالعه حاضر در **بررسی سوال ویژه دوم مبنی بر** "الگوی برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره اول متوسطه براساس شاخص های نظام سلامت با تاکید بر مولفه های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چگونه است؟" نشان داد که متغیرهای هدف، محتوا، روش تدریس، و ارزشیابی در تبیین الگوی برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره اول متوسطه براساس شاخص های نظام سلامت با تاکید بر مولفه های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش موثر است. به طوری که متغیر هدف در اولویت اول، متغیر محتوا در اولویت دوم، متغیر روش تدریس در اولویت سوم و متغیر ارزشیابی در اولویت نهایی قرار گرفتند. کراچیان و خسروی (۱۳۹۴) در بررسی تأثیر عناصر برنامه درسی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دریافتند که عناصر محتوا، ارزشیابی، اهداف و ارزشیابی به ترتیب به عنوان موثرترین عناصر در نظر گرفته شده اند. به اعتقاد بازگان و همکاران (۱۳۹۰)، عناصر هدف، محتوا، روش تدریس، و ارزشیابی نقش مهمی در تبیین برنامه درسی دارند که با یافته های مطالعه حاضر همخوانی دارد. کرم-افروز و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خود به این نتیجه دست یافتند که عناصری نظیر اهداف، محتوا، روش ها، شیوه های سازماندهی و ارزشیابی در تبیین الگوی برنامه درسی مؤثرند که با نتایج مطالعه حاضر همخوانی دارد. بریمانی و همکاران (۱۳۹۰) در اهمیت عنصر محتوا به این نتیجه دست یافتند که سازماندهی محتوای آموزشی تأثیر مستقیم و معناداری بر بهبود کیفیت آموزش عالی دارد که یافته های مطالعه حاضر را مورد تأیید قرار می دهد. مولر (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان آموزش حرفه ای و حرفه ای مبتنی بر صلاحیت به این نتیجه دست یافت که جهت گیری محتوای درسی و شیوه تدریس، الگوی برنامه درسی را به خوبی تبیین می کنند. به عقیده وی، قلمرو و جهت گیری محتوا و شیوه تدریس در راستای تحقق اهداف و شایستگی های لحاظ شده در برنامه درسی مبتنی بر شایستگی های فنی و غیرفنی در قالب ساختار آموزشی با توجه به استعداد و علاقه های هنرجویان و شرایط و نیازهای آموزشی مدارس است.

یافته های مطالعه حاضر در **بررسی سوال ویژه سوم مبنی بر** "وضعیت موجود مولفه های برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره اول متوسطه براساس شاخص های نظام سلامت با تاکید بر مولفه های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش از نظر دبیران دوره متوسطه چگونه است؟" نشان داد که وضعیت متغیرهای هدف، محتوا، روش تدریس و ارزشیابی نامطلوب است. در این زمینه مطالعه مشهدی و همکاران (۱۳۹۶) نیز نشان داد که وضعیت محتوای برنامه درسی از نظر اساتید و دانشجویان، مطلوب نیست که با نتایج مطالعه حاضر همخوانی دارد. در این زمینه، باکر^۱ (۲۰۱۱) معتقد است که طراحی و ارائه محتوا به دانش و تخصص لازم برای تلفیق فناوری در محتوا و برقراری ارتباط میان محتوای همه دروس در خدمت فناوری نیاز دارد. انعطاف پذیری و بهره گیری از حالت های مختلف ارائه محتوا و تلفیق نظر و عمل در آن نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. دهقانی و همکاران (۱۳۹۵) در مطالعه ای به بررسی اهداف و محتوای برنامه درسی دوره پیش دبستانی پرداختند. نتایج مطالعه آنها نشان داد که کیفیت محتوای برنامه درسی دانش آموزان و فرآیند تدریس در بخش عملی از نظر تمامی گروه های مورد مطالعه مطلوب بود که در این بخش مطابق با یافته های پژوهش حاضر است اما عنصر ارزشیابی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبود که در این بخش، با یافته های مطالعه حاضر همخوانی دارد. میرزایی و همکاران (۱۳۹۵) دریافتند که تمامی مراکز آموزشی از عناوین محتوایی استفاده می کنند اما نحوه استفاده آنها به صورت متعادل و درست و منطبق با برنامه درسی قصد شده نیست که با یافته های مطالعه حاضر همخوانی دارد. یزدانی (۱۳۹۶) در زمینه مطالعه عنصر محتوا نشان داد که کیفیت کتاب های درسی ابتدایی از نظر معیارهای تناسب و کیفیت عمومی محتوای درسی، تناسب محتوا با نگرش های مذهبی دانش آموزان، تناسب محتوا با نگرش های اجتماعی، توجه به گسترش حس زیبایی شناسی و پرورش ذوق هنری، توجه به

1 - Bakker

گسترش مهارت‌های زبانی، و گسترش مهارت‌های کاوشگری، پژوهش و تفکر خلاق و نقاد در وضعیت مناسبی قرار دارد. صالحی عمران و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی میزان بکارگیری عناصر برنامه درسی سازنده‌گرا در آموزش عالی به این نتیجه رسیدند که در ارتباط با عنصر هدف، محتوا و راهبردهای یاددهی-یادگیری تفاوت معناداری مشاهده نشد اما در عنصر ارزشیابی از سطح معیار پایین‌تر بود که در این بخش مطابق با یافته‌های مطالعه حاضر می‌باشد. نتایج مطالعه مهدی‌زاده (۱۳۹۷) نشان داد که شیوه انتخاب اهداف آموزشی، انتخاب محتوا، سازمان‌دهی محتوا، ارائه محتوا، تنظیم زمان، بهره‌گیری از تکنولوژی آموزشی، ارزشیابی و نیز فرایند تدوین برنامه درسی در حد "بسیار مطلوبی" قرار دارند.

یافته‌های مطالعه حاضر در بررسی سؤال چهارم مبنی بر "میزان اهمیت مولفه‌های برنامه درسی آموزش بهداشت و توسعه سلامت دوره اول متوسطه براساس شاخص‌های نظام سلامت با تأکید بر مولفه‌های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش چگونه است؟" نشان داد که بیشترین اولویت از لحاظ عملکردی مربوط به متغیر ارزشیابی، دومین اولویت مربوط به محتوا، سومین اولویت مربوط به هدف و چهارمین اولویت مربوط به روش تدریس بوده است. امینی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه خود نشان دادند که عناصر اهداف، محتوا، روش تدریس و شیوه‌های ارزشیابی به ترتیب اهمیت قرار دارند که با مطالعه حاضر همخوانی ندارد. عمویی و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه خود که به بررسی عناصر برنامه درسی پرداختند نشان دادند که عنصر روش تدریس با بیشترین میانگین در اولویت اول، عنصر ارزشیابی در رده دوم، عنصر محتوا در رده سوم و عنصر هدف در رده چهارم اهمیت قرار دارند که تا حدودی یافته‌های مطالعه حاضر را مورد تأیید قرار می‌دهد. مهدی‌زاده (۱۳۹۷) در مطالعه خود دریافت که میزان اهمیت عناصر مختلف نیازسنجی، شیوه انتخاب اهداف آموزشی، انتخاب محتوا، سازمان‌دهی محتوا، ارائه محتوا، تنظیم زمان، بهره‌گیری از تکنولوژی آموزشی، ارزشیابی و نیز فرایند تدوین برنامه درسی در حد "بسیار بالا" است. نتایج مطالعه صالحی عمران و همکاران (۱۳۹۵) بیانگر آن است که عنصر محتوا با بیشترین میانگین از اولویت اول، عنصر هدف در اولویت دوم، عنصر راهبردهای یاددهی-یادگیری در اولویت سوم و عنصر ارزشیابی در اولویت چهارم قرار دارد که با نتایج مطالعه حاضر همخوانی ندارد. جعفری ثانی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی ویژگی‌های کلیدی برنامه درسی دریافتند که مؤلفه-های اهداف، محتوا، راهبردهای تدریس، و ارزشیابی به ترتیب از اهمیت برخوردارند و در اولویت هستند که از نظر ترتیب اهمیت با یافته‌های مطالعه حاضر همخوانی ندارد.

منابع و مأخذ

ابراهیم پور و همکاران (۱۳۹۵). تبیین ویژگی‌های مطلوب عناصر برنامه درسی مطالعات اجتماعی به منظور ارائه الگویی برای ارتقای مهارت‌های حل مسئله دانش‌آموزان دبستانی و ارزشیابی آن از دیدگاه متخصصان برنامه درسی و معلمان ذی ربط. فصلنامه تدریس پژوهی. سال چهارم. شماره ۳. زمستان ص ۱-۲۰.

احمدی، فاطمه زهرا، مهرمحمدی، محمود، ولا، جین، منتظری، علی (۱۳۹۶). طراحی برنامه درسی سواد سلامت برای دانشجویان معلمان دانشگاه فرهنگیان با تکیه بر تعلیم و تربیت گفت و شنودی: یک پژوهش هنجاری. نشریه پایش، ۱۶(۳): ۳۶۷-۳۸۱.

ادیب، یوسف (۱۳۸۹). الگوی بهینه‌ی برنامه‌ی درسی مهارت‌های زندگی برای دوره‌ی ابتدایی. مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۶(۲): ۳۶-۵.

اژدری-فام، ناصر، فرج‌اللهی، مهران، سرمدی، محمدرضا، محبوبی، طاهر (۱۳۹۹). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر یادگیری همراه با تأکید بر الگوی اکر در آموزش عالی. مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، ۱۱(۲۱): ۲۹۰-۲۵۱.

اسمعیلی، مهدی (۱۳۸۹). صلاحیت‌های حرفه‌ای معلمان فنی و حرفه‌ای، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی. امینی، محمد، رحیمی، حمید، خدابخشی، حمیدرضا (۱۳۹۷). ارزیابی مقایسه‌ای کیفیت عناصر برنامه درسی در رشته علوم تربیتی. مجله راهبردهای توسعه در آموزش پزشکی، ۵(۲): ۱۲-۱.

آقازاده، احمد (۱۳۸۳). مسائل آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.

برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰). تهران: انتشارات وزارت آموزش و پرورش.

- پیری، رباب، ادیب، یوسف (۱۳۸۸). الگوی بهینه برنامه درسی برای دوره پیش از دبستان. علوم تربیتی، ۲(۵): ۵۳-۸۲.
- تایلر، رالف (۱۳۹۰). اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزش. (ترجمه علی تقی پورظهیر). تهران: انتشارات آگه.
- حافظی، اکرم، عباسی، عفت، نیکنامی، شمس الدین، نوه ابراهیم، عبدالرحیم (۱۳۹۶). فرآیند تدوین برنامه درسی برای دوره کارشناسی پیوسته بهداشت مدارس و اعتبارسنجی آن از دیدگاه متخصصان برنامه ریزی درسی و بهداشت مدارس. مجله سلامت و بهداشت، ۸(۵): ۶۲۹-۶۰۷.
- حسینی لرگانی، سیده مریم، فتاحی واجارگاه، کوروش، عارفی، محبوبه، زرافشانی، کیومرث (۱۳۹۳). طراحی الگوی سنجش برنامه درسی زاید در نظام آموزش عالی ایران. پژوهش در نظام های آموزشی، ۸(۲۷): ۱۷۴-۱۴۹.
- خضری، فریدون، قادری، مصطفی، عبداللهی، فردین (۱۳۹۹). طراحی الگوی مطلوب مهارت‌های زندگی مقطع متوسطه مراکز استعدادهای درخشان. فصلنامه علمی مدیریت مدرسه، ۸(۱): ۳۹۵-۳۷۰.
- دانش پژوه، زهرا و فرزاد، ولی الله (۱۳۸۵). ارزشیابی مهارت های حرفه ای معلمان دوره متوسطه اول. فصلنامه نوآوری های آموزشی ۱۸ (۵).
- دوراندیش، احمدرضا، نادری، عزت اله، سیف نراقی، مریم (۱۳۹۸). طراحی چارچوب برنامه درسی مبتنی بر شایستگی رشته مکانیک صنایع دوره دوم متوسطه. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۷۱(۱۸): ۳۸-۷.
- عبادی، نجیب، رنج دوست، شهرام، عظیمی، محمد (۱۳۹۹). الگوی پیشنهادی جهت طراحی برنامه درسی مبتنی بر تکلیف در مقطع کارشناسی ارشد رشته پرستاری بر اساس طرح اکر. نشریه آموزش پرستاری، ۹(۱): ۵۴-۴۰.
- عرفانی آداب، الهام و ملکی، شیما (۱۳۹۶). صلاحیت های تدریس معلمان متوسطه اول شهر همدان از دیدگاه دانشجویان معلمان: مطالعه موردی پردیس شهید باهنر و شهید مقصودی همدان، فصلنامه علمی تخصصی توسعه حرفه ای معلم، سال دوم، شماره ۳.
- ملکی، حسن (۱۳۹۵). اصول برنامه‌ریزی درسی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- ملکی، حسن (۱۳۸۴). صلاحیت های حرفه ی معلمی، تهران، انتشارات مدرسه.
- مهدی‌زاده، امیرحسین (۱۳۹۴). بررسی محورهای اساسی برنامه‌ریزی درسی و تدوین برنامه درسی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی (مطالعه موردی واحد اسلامشهر). رهبری و مدیریت آموزشی، ۹(۱): ۱۷۳-۱۴۹.
- میرزا محمدی، محمدحسن (۱۳۸۴). فارابی و تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات یسپرون.
- میرزایی، ملیحه، احمدی، پروین، نراقی‌زاده، افسانه (۱۳۹۵). مقایسه اهداف و محتوای برنامه درسی اجرا شده با برنامه درسی قصد شده در مراکز پیش دبستانی شهر کرمان. فصلنامه علمی اندیشه‌های نوین تربیتی، ۱۲(۴): ۸۰-۶۳.
- نیکنامی مصطفی و کریمی فریبا (۱۳۸۸). صلاحیت های حرفه ای معلمان آموزش عمومی و ارائه چارچوب ادراکی مناسب، دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)، شماره بیست و سوم نیکنامی، مصطفی (۱۳۷۷) مقایسه ویژگی های معلمان خوب و اثر بخش « فصلنامه روان شناسی و علوم تربیتی شماره ۷ و ۸ تهران : دانشگاه علامه طباطبایی .
- هدایتی، اکبر و همکاران (۱۳۹۵). طراحی و اعتباریابی الگوی برنامه درسی مبتنی بر شایستگی برای دوره کارشناسی ارشد رشته برنامه درسی. فصلنامه پژوهش‌های کیفی در برنامه درسی. دانشگاه علامه طباطبایی. دوره اول. شماره ۴. پاییز ۹۵ ص ۶۱-۴۷.
- یزدانی، فریدون (۱۳۹۶). دسته‌بندی شاخص‌های سنجش کیفیت محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی. نشریه علمی پژوهشی آموزش و ارزشیابی، ۱۰(۳۷): ۱۰۶-۸۳.

Gronn, P. (2000). *Distributed properties: a new architecture for leadership, Educational Management and Administration*, 28(3), 317-338.

Gruban, B. (2003). *Kompetence: moda, ki traja e štiri desetletja. Finance*, 1596/168, str.. 1.

- Handler, B. (2010). *Teacher as Curriculum Leader: A Consideration of the Appropriateness of that Role Assignment to Classroom-Based Practitioners*. *International Journal of Teacher Leadership*. Volume 3, Number 3.p32-42. <http://www.csupomona.edu/ijtl>.
- Koenen, A. K, Dochy, F. & Berghmans, I. (2015). *A Phenomenographic analysis of the implementation of competence-based education in higher education*. *Teaching and Teacher Education*, 50,1-12.
- Tekin Celikkaya, Simge filoglu. (2014). "Attitudes of Social Studies Teachers Toward Value and Values Education Educational Science " *theory & practice*. 14141. *Educational consultancy. and research center www. edam. com. tr/estp dol: 10 12738/estp*. 2014. 4. 1605.
- Toole, JC. & Seashore Louis, KS. (2002). *The Role of Professional Learning Communities in International Education*, education. umn. edu/ CAREI/ Papers/ JULYFINAL. pdf.
- Tourani, H., Aghazadeh, M. (2006). *Prolem-based learning and how to apply in the primary school classroom*. *Collection of Article in sixth annual conference of the curriculum Studies Association in Country "Innovation in the Primary School Curriculum in Country"*, University of shiraz, and Education Department in Fars Province, March, P. 221-242. [In Persian].
- Tyler, R. W. (1949). *Basic principles of curriculum and instruction*. Chicago: University of Chicago Press.
- Vakani F, Jafri W, Ahmad A, Sonawalla A, Sheerani M (2014). Task-based learning versus problemoriented lecture in neurology continuing medical education. *J Coll Physicians Surg Pak*, 24(1): 23-6.
- Valades. James R. (2015). "Educating for Social Justice Drawing from Catholic Social Teaching", *Journal of Catholic Education* volum 19. Issue.
- Villegas_reimers.(2007) "teacher professional development" :an international review of the literature.unesco;international institute for educational planning.
- Wagstaff, L. & Reyes, P. (1993).*School-Based Site Management*. Austin, TX, The University of Texas at Austin.
- Wasley, P. A. (1991). *Teachers Who Lead: the rhetoric of reform and the realities of practice*, New York: Teachers College Press.
- Wiggins,R.A. (1994). *The Principal as Instructional leader: Inducement or Deterrent to teachers' Personal Professional Growth?* Paper Presented at the Annual Meeting of the Association for Supervision and Curriculum Development, Chicago,II.
- zahoric,johna(1984). *Teachingrules research beautyandcreation*, *journal of curriculumand supervision*, vol2, no.3, pp.572, 672,772,872
- Zeller, M. P, Serbino, J, Whitman, L, Skeate, R, & Arnold, D. M. (2016). *Design and Implementation of a Competency-Based Transfusion Medicine Training Program in Canada*. *Transfusion medicine reviews*. 30 (1) ,30-36.